

درنگی در جرم انگاری «پولشویی»

غفور خوئینی* / حمید مسجدرائی** / سهیل کبیری***

چکیده

پولشویی به مجموع عملیات بر روی اموال نامشروع مانند مواد مخدر، سرقت، کلاهبرداری و ... گفته می شود تا این اموال، به ظاهر مشروع و قانونی قلمداد شده و منشأ نامشروع آن مخفی گردد. در عملیات پولشویی، به عنوان یک فعالیت مجرمانه مالی، درآمدهایی که زائیده فعالیت های غیر قانونی است، به گونه ای با درآمدهای حاصل از فعالیت های قانونی در می آمیزد که شناسایی و تفکیک آنها از یکدیگر ممکن نیست.

در این تحقیق تلاش شده است ضمن تبیین سابقه قانونگذاری در مورد جرم پولشویی، ارکان سه گانه این جرم مورد بازنگری واقع شود.

کلیدواژه: پولشویی، ارکان جرم، فعالیت مجرمانه

۱- مقدمه

پولشویی یا تطهیر پول، معادل فارسی برای اصطلاح انگلیسی موسوم به «Money laundering» می باشد. برخی از صاحب نظران معتقدند با توجه به مجرمانه و پلید بودن عملیات موردنظر و متقابلاً بار مثبت ادبی «تطهیر»، استعمال این لفظ در پدیده فوق چندان مناسب نمی باشد، چون تطهیر به معنای «پاک کردن» است و دارای بار مثبت ادبی است؛ در حالی که پدیده مجرمانه باید به گونه ای تعبیر شود که این بار را نداشته باشد؛ به عبارت دیگر، این محقق معتقد است که «تطهیر پول» معادل فارسی مناسبی برای اصطلاح انگلیسی «Money laundering» نیست (شمس ناتری، «سیاست کیفری ایران در قبال تطهیر پول با رویکرد به اسناد بین المللی»/۱۱۹). پولشویی از دیدگاه برخی محققان و در اسناد بین المللی چنین تعریف شده است: «منظور از تطهیر مال، مخفی کردن منبع اصلی اموال ناشی از جرم و تبدیل آنها به اموال پاک است، به طوری که یافتن منبع اصلی مال غیر ممکن یا بسیار دشوار گردد» (حقوق جزای بین الملل/۳۳۲)؛ یا گفته شده است: «پولشویی عبارت است از کلیه عملیات اقتصادی که بر روی پول مشکوک انجام می گیرد تا به صورت قانونی در آید» (زیان های ناشی از تطهیر پول/۸۲).

در ادبیات حقوقی قانونگذار کشورهای عربی، واژه «پولشویی» را معادل عبارت «غسل» یا «غسل الاموال» یا «تبعیض الاموال» به معنای «شستشو یا سفید نمایی اموال» یاد می کنند (المدّة و الجزر بین السریه المصرفیه و تبیض الاموال/۵۵؛ جرائم غسل الاموال و تمویل الارهاب فی التشریعات العربیه/۳۱)؛ اخفا، پنهان یا کتمان کردن ماهیت واقعی منشأ، منبع، محل، نقل و انتقال، جابجایی یا مالکیت درآمدهای حاصل از جرم که به طور مستقیم یا غیر مستقیم در نتیجه جرم تحصیل شده است» (پولشویی و مؤسسات مالی/۶۳).

با توجه به مجموع مطالب پیش گفته، می توان پولشویی را چنین تعریف کرد: هر عملی که موجب مخفی و تغییر ظاهر دادن عواید حاصل از جرم شود، به طوری که این عواید، جلوه ای قانونی و مشروع به خود بگیرند. پدیده پولشویی آثار زیانبار اقتصادی، اجتماعی و سیاسی قابل توجهی برای جوامع به همراه دارد که از آن جمله

می توان به اخلال و بی ثباتی در اقتصاد، تضعیف بخش خصوصی، کاهش درآمد دولت، ایجاد موانع برای خصوصی سازی، کاهش کنترل دولت بر سیاست اقتصادی، پدیده ای برای انجام جرائم مهم و عمده دیگر، دارای خطرات و هزینه های اجتماعی از جمله تدوین و اجرای قانون، هزینه های مراقبت های بهداشتی و درمان، تأثیر بر سلامت اخلاقی جامعه، انتقال قدرت اقتصادی از دولت و مردم به پولشویان، رخنه کردن پولشویان در ساختار حکومتی و باعث ایجاد قدرت برای پولشویان در کشور اشاره کرد (ر. ک: باقرزاده، «پیامد های پولشویی و راهبرد های کنترلی با رویکرد به اسناد بین المللی»/ ۲۳۸-۲۳۷؛ هادیان، «پولشویی و اثرات اقتصادی آن»/ ۱۴۳؛ محمودی، «دیده پولشویی و راه های مبارزه با آن»/ ۱۵۹).

پولشویی جرمی نوین و نوظهور است، بنابراین منطقی است که در کتاب و سنت، آیه و روایتی که به طور مستقیم به این موضوع اشاره کند وجود نداشته باشد؛ چراکه در زمان ائمه (ع) و پیامبر اکرم (ص) معمولاً جرائم بسیط و ساده بودند و اکثر آنها قبل از اسلام وجود داشته اند که اسلام آنها را امضاء نموده است و برخی دیگر تأسیسی بوده و ضمانت اجرای خاص خود را در شریعت اسلام دارند. از طرف دیگر، مؤلفه های اصلی ارتکاب جرائم پیچیده مثل جرائم سازمان یافته، از قبیل طرح و برنامه ریزی قبلی، افساد مأمورین دولتی، تهدید امنیت، توسعه اقتصادی، اجتماعی و سیاسی جز در موارد محدود و اندکی وجود نداشته است. نیز باید اضافه کرد که وجود برخی مؤلفه های خاص در جوامع صدر اسلام، مثل حاکمیت ارزش های اخلاقی و کنترل اجتماعی، شناخته شده بودن افراد جامعه نسبت به همدیگر به سبب محدود بودن جمعیت و ارتباط نزدیک بین آنان موجب می شد که جرائم با تبانی و سازمان یافتگی (خصوصاً جرائم علیه اموال) کمتر وجود داشته باشد اما با بررسی احکام کلی و اصول کلی حقوقی و نیز بررسی صدماتی که جرمی مثل پولشویی به زندگی افراد یک جامعه اسلامی وارد می کند می توان جرم انگاری این رفتار را از منظر فقهی و حقوقی توجیه کرد.

در خصوص مستندات جرم پولشویی از قرآن کریم به آیه «لا تاكلوا أموالکم بینکم بالباطل» (بقره/ ۱۸۸) استناد شده است که دلالت بر حرمت «اکل مال به باطل» می کند؛

همچنین آیاتی که بر حرمت «اکل سحت» دلالت دارند؛ به طوری که برخی از مفسرین می نویسند: «منظور از اکل، گرفتن یا مطلق تصرفات است و کاربرد آن در این معنا مجازی است و به خاطر این است که خوردن، ابتدایی ترین افعال طبیعی انسان است و اولین تصرفی را که انسان از روی شعور انجام می دهد، همین خوردن است و اکل در غیر از لغت عربی هم، گرفتن و تصرف کردن معنا می دهد» (المیزان/۵۱/۲).

در مجموع می توان گفت که اولاً- منظور از اکل، مطلق تصرفات و تملکات است. ثانیاً- منظور از مال هر چیزی اعم از پول، منافع و اسناد مالی را شامل می شود (القواعد الفقهیه/۲۱/۲-۲۰) ثالثاً- منظور از باطل، مطلق تصرفات و تملکات حرام و غیر قانونی مثل سرقت، ربا، قمار، نیرنگ، رشوه، تصرفات عدوانی، سوگند دروغ و غیره می باشد. از نظر اسلام، تحصیل درآمد از راه های غیر مشروع و با استفاده از ابزار و وسایل غیر مجاز، حرام است و «باطل» به عمومیت و اطلاقش، همه را شامل می شود (سلیمانی، عبداللہی نژاد، «بررسی مبانی فقهی جرم پولشویی»/۷۳-۷۴).

در آموزه های روایی (سنت) نیز مواردی بر بطلان عملیات پولشویی حکم می کند. از جمله امام علی (ع) می فرماید: «سوگند به خدا، اگر آن املاک (غارت شده بیت المال) را پیدا کنم به مسلمانان بر می گردانم اگرچه مهریه زنان قرار گرفته و کنیزها با آنها خریداری شده باشند» (شرح نهج البلاغه/۲۴۹/۳). در حدیث دیگری از امام سجاد (ع) سؤال شد: مردی، زمینی یا خدمتکاری را از فردی با مالی که از راه راهزنی یا دزدی بدست آورده است می خرد، آیا بر این فرد حلال است که از ثمره این زمین یا استمتاع از چنین خدمتکاری بهره مند شود؟ امام (ع) اینگونه برای او نوشتند: هیچ خیری در چیزی که اصل و منشأ آن حرام باشد نیست و استعمال آن نیز حلال نمی شود» (الکافی/۱۲۵/۵).

با استناد به قاعده لا ضرر نیز که از جمله قواعد فقهیه مشهور است می توان گفت که غالباً ضرر در پولشویی، از سنخ اضرار عمومی و جامعه است. برابر مفاد قاعده لا ضرر، ضرر و زیان و خسارت در شریعت اسلام، مذموم و غیر مشروع است و پدیده

پولشویی نیز که دارای ضرر های فراوانی برای جامعه و نظام اسلامی دارد به روشنی مشمول قاعده واقع می شود؛ بنابراین، وظیفه دولت است که با پولشویی مقابله و آن را جرم انگاری کند (همان/ ۸۳-۸۴).

۲- پولشویی از دیدگاه اسناد بین المللی و ایران

ماده یک «طرح و دستورالعمل جوامع اروپایی» در مارس ۱۹۹۰م پولشویی را اینگونه تعریف می کند: «تبدیل یا انتقال اموال، با علم به این که چنین اموالی از جنایت شدیدی ناشی شده است، به منظور اختفا یا انحراف منشأ غیر قانونی اموال یا کمک به هر شخصی که به ارتکاب چنین جرم یا جرائمی مبادرت می ورزد، به منظور رهایی یافتن از آثار حقوقی اقدام وی و اختفاء یا انحراف ماهیت واقعی، منبع، محل استقرار، حرکت، حقوق مربوط به اموال یا مالکیت اموال با علم بر این که چنین اموالی از ارتکاب یک جنایت شدید نشأت گرفته است» (سلیمی، «تطهیر پول در اسناد بین المللی و لایحه پولشویی»/ ۱۳۲/۴؛ نیز ر.ک: جزایری، پولشویی و مؤسسات مالی/ ۶۳/۳۷؛ جرائم اقتصادی و پولشویی/ ۳۳۴؛ حیدری، «جرم انگاری پولشویی»/ ۱۴۰).

لازم به ذکر است که پولشویی که برای اولین بار در سطح بین المللی مطرح شد، فقط به تطهیر اموال کثیف ناشی از تجارت مواد مخدر اطلاق شد. ماده ۳ کنوانسیون سازمان ملل در خصوص مواد مخدر و داروهای روان گردان مصوب ۱۹۸۸ در وین، به عنوان اولین سند بین المللی، توجه جهانیان را به مسأله پولشویی جلب کرد؛ این کنوانسیون در بین اسناد بین المللی در زمینه پولشویی دارای جایگاه خاصی است و سایر اسناد بین المللی که پس از آن در این زمینه نگاشته شده اند، از این کنوانسیون الهام گرفته و با استفاده از آن تنظیم و تصویب شده اند.

در ایران، پولشویی طی مصوبه مورخ ۱۳۸۳/۲/۶ مجلس شورای اسلامی چنین

تعریف شده است: جرم پولشویی عبارت است از:

الف. تحصیل، تملک، نگهداری، یا استفاده از عواید حاصل از فعالیت غیر قانونی با علم بر این که به طور مستقیم در نتیجه ارتکاب جرم به دست آمده است.

ب. تبدیل، مبادله یا انتقال عوایدی به منظور پنهان کردن منشأ قانونی آن، با علم به این که به طور مستقیم یا غیر مستقیم ناشی از ارتکاب جرم بوده یا کمک به مرتکب به نحوی که وی مشمول آثار و تبعات قانونی ارتکاب آن جرم نگردد.

ج. اخفاء یا پنهان یا کتمان کردن ماهیت واقعی، منشأ، منبع، محل، نقل و انتقال، جابجایی یا مالکیت عوایدی که به طور مستقیم یا غیر مستقیم در نتیجه جرم تحصیل شده باشد».

در این تعریف، قانونگذار ما به پیروی از اسناد بین المللی متأخر، قانونی جلوه دادن عواید غیر قانونی حاصل از تمام جنایات را جرم دانسته است، اما در بند (الف) هیچ گونه قیدی مبنی بر این که پولشویی باید به خاطر قانونی جلوه دادن عواید غیر قانونی صورت گیرد، پیش بینی نشده است که این امر موجب گسترش دامنه شمول پولشویی می گردد؛ چون اصولاً پولشویی به خاطر قانونی جلوه دادن عواید غیر قانونی، جرم شناخته می شود.

اصل قانونی بودن جرائم و مجازات ها اقتضا دارد که قانون، جرم را تعیین و مجازات مشخصی را برای مرتکب آن مقرر نماید؛ زیرا وظیفه تشخیص اعمالی که نظم اجتماعی را مختل می کنند و موجب آسیب های اجتماعی می شوند، بر عهده قانونگذار است. البته ارائه تعریفی دقیق از جرم که در برگیرنده جنبه های گوناگون آن باشد، امر دشواری است و این دشواری در جرایمی که دارای جنبه های چندگانه هستند، فزون تر است. از اینرو، ارائه تعریفی حقوقی از پولشویی که هم جامع اطراف و هم مانع اغیار باشد، به سبب دامنه گسترده و جنبه های گوناگون آن دشوار است.

عمدتاً پولشویی به معنای قانونی کردن درآمد های غیر قانونی، مشروع کردن پول های نامشروع و یا تطهیر پول های حرام تعریف می شود، اما واقعیت این است که در عملیات پولشویی نه درآمد های غیر قانونی، قانونی می شود، نه پول حرامی تطهیر

می شود و نه پول نامشروعی به پول مشروع تبدیل می شود. قانونی شدن یا مشروع بودن هر درآمدی از نظر اقتصادی، نه تنها باید ضرری برای اقتصاد یک کشور نداشته باشد، بلکه باید به عنوان یک عنصر مؤثر در رشد و توسعه اقتصادی ایفای نقش کند. در عملیات پولشویی، به عنوان یک فعالیت مجرمانه مالی، درآمدهایی که زائیده فعالیت های غیر قانونی است، به گونه ای با درآمدهای حاصل از فعالیت های قانونی در می آمیزد که شناسایی و تفکیک آنها از یکدیگر ممکن نیست.

۳- ارکان جرم پولشویی

۳-۱- رکن قانونی

قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ نیز در مقام بیان تعریف جرم برآمده و چنین اظهار می دارد: «ماده ۲- هر رفتاری اعم از فعل یا ترک فعل که در قانون برای آن مجازات تعیین شده است جرم محسوب می شود»؛ بنابراین، از این تعریف به دست می آید که جرم، هر فعل یا ترک فعلی است که برای آن مجازات یا اقدامات تأمینی در قانون تعیین شده باشد. مع الوصف، پولشویی هم در حقوق داخلی به عنوان جرم قلمداد شده و برای آن مجازات مقرر شده است.

معمولاً در حقوق جزای کیفری اختصاصی، جرائم در سه طبقه کلی قرار داده می شوند: ۱- جرائم علیه اموال و مالکیت مثل کلاهبرداری، سرقت، ارتشاء، ۲- جرائم علیه امنیت و آسایش عمومی مثل تقلب سگه و جعل، ۳- جرائم علیه اشخاص مثل قتل، ضرب و جرح؛ اما در طبقه بندی جرائم، یک طبقه دیگر به عنوان «جرائم علیه اجرای عدالت» هم وجود دارد که برخی از حقوقدانان، بعضی از جرائم مثل جرم شهادت کذب در ماده ۶۵۰ ق.م.ا. و قسم دروغ در ماده ۶۴۹ ق.م.ا. را در زمره اینگونه جرائم می دانند. در تعریف جرم علیه اجرای عدالت چنین آورده اند: «به هر فعل یا ترک فعلی اطلاق می گردد که مأموران انتظامی را از کشف جرم یا تعقیب متهم و دادگاه ها را در محاکمه و صدور حکم یا قرار اجرای آنها باز دارد» (حقوق جزا، اصول و مسائل/۲۴۱).

با توجه به این که جرم پولشویی، یک جرم نوپا و نوینی است که در حقوق کیفری وارد شده و از ویژگی اساسی و مهم آن «سازمان یافته بودن» است و از اهداف آن، تحصیل سود کلان حاصل از جرم می باشد، بنابر این می توان گفت در زمره جرائم علیه اموال و مالکیت می باشد. به تعبیر دیگر، جرم پولشویی مثل جرم ارتشاء و کلاهبرداری از نوع جرائم مالی به شمار می رود. همچنین می توان گفت با توجه به فرایند پولشویی که موجب مخفی نگه داشتن جرایم مقدم (منشأ) می شود و اموال حاصل از جرائم مقدم، جلوه ای مشروع می گیرند و این امر موجب گول زدن دستگاه قضایی و عدالت شده، و مانع کشف و تعقیب جرم اصلی می شود در طبقه «جرائم علیه عدالت» نیز قرار می گیرد.

جرم پولشویی همانند هر جرم دیگری دارای ارکانی است که بیانگر قانون مدون لازم الاجرائی است که آن را منع کرده و برای مرتکب آن مجازات تعیین کرده باشد (عنصر قانونی)، و به توصیف رفتار مجرمانه پرداخته و عمل ممنوعه ای که در عالم خارج محقق می شود را بیان می نماید (عنصر مادی)، و به بیان فکر و اندیشه مجرمانه و نقش عمد یا خطا در ارتکاب جرم می پردازد (عنصر روانی).

از لحاظ سابقه قانونگذاری درباره جرم پولشویی قانونی خاص و ویژه با این عنوان در قوانین ما وجود نداشت؛ ولی لایحه ای با عنوان «لایحه مبارزه با پولشویی» با پیشنهاد وزارت اقتصاد و دارایی در تاریخ ۱۳۸۱/۶/۲۷ به تصویب هیات وزیران رسید و با قید یک فوریت در تاریخ ۱۳۸۱/۷/۱۶ تقدیم مجلس شد که مجلس با فوریت آن موافقت نکرد و به صورت عادی آن را در دستور کار قرار داد. پس از چند بار رفت و برگشت در تاریخ ۱۳۸۵/۸/۱۴ آن را تصویب و برای بررسی به شورای نگهبان ارسال نمود. شورای نگهبان لایحه تصویبی را در مواردی خلاف شرع و قانون تشخیص داد که به دلیل اصرار مجلس بر مصوبه قبلی خود، موضوع به مجمع تشخیص مصلحت نظام

۱- جرائمی که قبل از عملیات پولشویی صورت می گیرد و از این طریق اموالی به دست می آید.

ارسال گردید. این لایحه که ضرورت قانونی شدن آن لازم به نظر می رسید بالاخره در تاریخ دوم بهمن ۱۳۸۶ در جلسه علنی مجلس شورای اسلامی تصویب شد و در تاریخ هفدهم همان ماه به تأیید شورای نگهبان رسید و در تاریخ ۱۳۸۶/۱۲/۸ در روزنامه رسمی کشور چاپ و از تاریخ ۱۳۸۶/۱۲/۲۴ لازم الاجراء گردید. همچنین در این راستا توجه به «آئین نامه اجرایی قانون مبارزه با پولشویی» حائز اهمیت می باشد. آئین نامه مزبور بر اساس تصویب نامه شماره ۲۱۷۸۶۹/ت ۴۱۷۳۳ هـ هیات وزیران در خصوص تفویض اختیارات هیات وزیران در خصوص تصویب آئین نامه های مربوط به قانون مبارزه با پولشویی مصوب ۱۳۸۶ به کارگروهی متشکل از وزیران امور اقتصادی و دارایی (رئیس)، بازرگانی، اطلاعات، کشور، دادگستری، امور خارجه و رئیس کل بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، در تاریخ ۱۳۸۸/۹/۱۴ مورد تصویب وزیران عضو کارگروه مزبور قرار گرفته است.

برخی از محققان قائلند که نباید عنصر قانونی را به عنوان یک عنصر مجزا مورد بررسی قرار داد. رکن قانونی در واقع، پرتوی از اصل قانونی بودن جرم و مجازات و زیربنای عناصر مادی و روانی است. به تعبیر دیگر، عنصر قانونی همعرض عناصر مادی و روانی نیست؛ بلکه بین عنصر قانونی و دو عنصر مادی و روانی یک رابطه طولی است یعنی بنا به تصریح قانون است که ما می توانیم رفتار یا حالت خاصی را به عنوان عنصر مادی یا روانی جرمی بشناسیم (جرائم علیه اموال و مالکیت/۵۲). حال آن که اکثر حقوقدانان داخلی، عنصر قانونی را مجزاً از عناصر مادی و معنوی مورد بررسی قرار داده اند. عنصر قانونی جرم پولشویی، ماده ۲ و ۳ «قانون مبارزه با پولشویی» است.

بجز قانون و آئین نامه اجرایی مورد اشاره که به صورت اختصاصی به جرم انگاری پولشویی می پردازد، برخی از قوانین و مقررات متفرقه در کشور ما وجود دارد که در زمینه پیشگیری از این جرم قابل توجه است. مهم ترین این قوانین عبارتند از:

الف) قانون اساسی جمهوری اسلامی

اصل ۴۹ قانون اساسی می گوید: «دولت موظف است ثروت های ناشی از ربا، غصب، رشوه، اختلاس، سرقت، قمار، سوء استفاده از موقوفات، سوء استفاده از مقاطعه کاری ها و معاملات دولتی، فروش زمین های موات و مباحات اصلی، دایر کردن اماکن فساد و سایر موارد غیر مشروع را گرفته و به صاحب حق ردّ کند و در صورت معلوم نبودن او به بیت المال بدهد. این حکم باید با رسیدگی و تحقیق و ثبوت شرعی به وسیله دولت اجرا شود». ملاحظه می شود که در این اصل، به جرم بودن پولشویی اشاره نشده است، ولی در مورد ثروت های نامشروع مذکور در این اصل تعیین تکلیف شده که باید به صاحبان اصلی آنها یا بیت المال مسترد شود که خود عاملی برای جلوگیری از پولشویی است.

ب) قانون نحوه اجرای اصل ۴۹ قانون اساسی

در ماده ۲ قانون مشار الیه تصریح شده است: «دارایی اشخاص حقیقی و حقوقی، محکوم به مشروعیت و از تعرض مصون است مگر در مواردی که خلاف آن ثابت شود». در ماده ۴ این قانون تمامی وزارت خانه ها، سازمان ها و شرکت ها و دستگاه های دولتی و وابسته به دولت و شهرداری ها موظف شده اند که سوابق افراد مشمول اصل ۴۹ قانون اساسی را گزارش کرده و به صورت شکایت، دادخواست و گزارش در محاکم قضایی صالحه طرح نمایند. در ماده ۸ این قانون هم به موازات اصل ۴۹ قانون اساسی، نحوه تعیین تکلیف اموال نامشروع مشخص شده است که در صورت معلوم بودن صاحب آن به وی و در غیر این صورت، در اختیار ولی امر قرار داده می شود.

نکته ای که در ماده ۹ این قانون به چشم می خورد و برای پیشگیری از پولشویی اموال نامشروع حائز اهمیت است این که اگر در ضمن دادرسی معلوم گردد که اموال و دارایی نامشروع به نحوی از متصرف نامشروع به دیگری منتقل شده است و فعلاً در اختیار او نیست، متصرف فعلی این اموال و دارایی بنا بر حکم ضمان ایادی متعاقبه، ضامن است و نسبت به عین مال مطابق این قانون رفتار می شود.

ماده ۳ قانون مذکور، به منظور اجرای اصل ۴۹ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، شورای عالی قضایی را موظف نمود که در مرکز هر یک از استان های کشور و شهرستان هایی که لازم بداند، شعبه یا شعبی از دادگاه انقلاب را جهت رسیدگی و ثبوت شرعی دعاوی مطروحه معین نماید. ماده ۱ دستورالعمل اجرای قانون نحوه اجرای اصل ۴۹ قانون اساسی مصوب ۱۳۶۴/۶/۴ شورای عالی قضایی، در جهت تحقق ماده ۳ قانون نحوه اجرای اصل ۴۹ قانون اساسی، مقرر نمود که در مرکز هر یک از استان ها و یا شهرستان ها دادگاه هایی تعیین می شود. به علاوه، قانون فوق الذکر، دادستان را موظف نمود چنان چه به اموال و دارایی اشخاص حقیقی یا حقوقی، در مواردی که ذیل ماده مزبور مقرر شده است، را با توجه به دلایل و امارات موجود نامشروع و متعلق به بیت المال یا امور حسبه تشخیص دهد راساً از دادگاه صالح رسیدگی و صدور حکم مقتضی را تقاضا نماید.

آن چه که در این قانون قابل توجه می نماید ماده ۱۰ است که اشعار می دارد: «اگر دادگاه احراز کند که ثروت نامشروع از ارتکاب جرم حاصل شده است، مجرم را به مجازات لازم محکوم می کند، مشروط بر این که در مورد جرم مذکور قبلاً رأی صادر نشده یا این که مشمول عفو مقام رهبری واقع نشده باشد». با عنایت به این ماده که می توان آن را جلوه ای از «تطهیر پول» در معنای امروزی تلقی نمود زمانی که ثابت گردد ثروت های متهم از ارتکاب جرم که «جرم مبنا» خوانده می شود، حاصل شده باشد، دادگاه مشروط بر عدم احراز دو شرط مندرج در ماده مذکور، ثروت نامشروع را به نفع دولت مصادره می کند. بدین معنا که اگر اثبات شود که در مورد جرم مذکور، قبلاً رأی صادر شده باشد یا این که چنین جرمی یا مجرمی مشمول عفو مقام رهبری واقع شده باشد، دیگر دادگاه صلاحیت رسیدگی به جرم مزبور را نداشته و بایستی قرار مقتضی صادر نماید.

ج) قانون مبارزه با مواد مخدر مجمع تشخیص مصلحت نظام

در ماده ۲۸ این قانون آمده است: «کلیه اموالی که از راه قاچاق مواد مخدر تحصیل شده و نیز اموال متهمان فراری موضوع این قانون، در صورت وجود ادله کافی برای مصادره به نفع دولت، ضبط و مشمول اصل ۵۳ قانون اساسی در خصوص اموال دولتی نمی باشد کلیه دریافت های دولت در حساب های خزانه داری کل متمرکز می شود و همه پرداخت ها در حدود اعتبارات مصوب به موجب قانون انجام می گیرد». علاوه بر مورد فوق، در این قانون موارد متعددی از مجازات ضبط و مصادره اموال قاچاقچیان مواد مخدر پیش بینی شده است و قانونگذار در موارد مهم فرض را بر این گذاشته است که اموال قاچاقچیان مواد مخدر از طرق نامشروع به دست آمده است و به عنوان مجازات باید مصادره شود، همان گونه که حکم کلی آن نیز در ماده ۲۸ آمده بود، البته در اینجا نیز قانونگذار به موضوع پولشویی و جرم انگاری آن اشاره ای نکرده است، ولی با ضبط و مصادره اموال ناشی از جرم قاچاق مواد مخدر از ارتکاب جرم پولشویی تا حدود زیادی پیشگیری نموده است؛ زیرا بسیاری از اموال و دارایی های نامشروع از طریق جرم قاچاق مواد مخدر به دست می آید.

قانون اصلاح قانون مبارزه با مواد مخدر و الحاق موادی به آن مصوب ۱۳۷۶/۸/۱۷ مجمع تشخیص مصلحت نظام نیز در بند ۴ و تبصره ماده ۴، بند ۴ ماده ۵، ماده ۶ و بند ۶ ماده ۸ و تبصره آن، ماده ۱۳ به مصادره اموال به استثنای هزینه های تأمین زندگی متعارف برای خانواده محکوم علیه اشاره کرده است. به عنوان مثال، طبق تبصره ماده ۴: «هرگاه محرز شود مرتکبین جرائم موضوع بند ۴ این ماده برای بار اول مرتکب این جرم شده و ... دادگاه با جمع شروط مذکور آنها را به حبس ابد و ۷۴ ضربه شلاق و مصادره اموال به استثنای هزینه تأمین زندگی متعارف برای خانواده آنها محکوم می نماید». ماده ۶ نیز مقرر می دارد: «چنان چه در نتیجه تکرار جرائم موضوع بند های مذکور از ماده ۴ ... مرتکب به مجازات اعدام و مصادره اموال محکوم می شود و ...».

در خصوص مواد پیش گفته، اداره حقوقی قوه قضائیه در پاسخ به این سؤال که با عنایت به بند ۴ مواد ۵ و ۴ و بند ۶ ماده ۸ قانون مبارزه با مواد مخدر که مصادره اموال

مرتکب جرم مواد مخدر را ذکر کرده است آیا می توان اموالی که از راه حرام به دست نیامده است را مصادره نمود؟ چنین استدلال می نماید که بند های ۴ مواد ۴ و ۵ و بند ۶ ماده ۸ در مصادره کلیه اموال محکوم علیه است به استثنای هزینه تأمین زندگی متعارف برای خانواده وی (نظرات مشورتی اداره حقوقی قوه قضائیه در خصوص جرائم مواد مخدر/۱۸).

ماده ۲۸ این قانون اشعار می دارد: «کلیه اموالی که از راه قاچاق مواد مخدر تحصیل شده و نیز اموال متهمان فراری موضوع این قانون در صورت وجود ادله کافی برای مصادره به نفع دولت ضبط و مشمول اصل ۵۳ قانون اساسی در مورد اموال دولتی نمی باشد»، که دامنه و محدوده این ماده نسبت به ماده ۲۸ قانون مبارزه با مواد مخدر ۱۳۶۷/۸/۳ فراگیر تر و گسترده تر شده و علاوه بر مفاد مندرج در ماده ۲۸ قانون مبارزه با مواد مخدر، به ضبط و مصادره اموال متهمان فراری نیز به نفع دولت تصریح دارد.

به نظر می رسد مجازات تعیین شده در این ماده، نوعی ابتدایی از مجازات های مترتب بر تطهیر درآمد های ناشی از قاچاق مواد مخدر و جلوگیری از ورود آن به شبکه های اقتصادی کشور است که دولت ها مکلفند طبق مقررات کنوانسیون مبارزه با قاچاق مواد مخدر و روان گردان مصوب ۱۹۸۸ کیفر مناسبی را برای جلوگیری از وقوع آن در سرزمین خود اتخاذ نمایند که البته شکل و نحوه تخصیص اعتبارات ناشی از این مصادره آنگونه که در کنوانسیون مزبور مورد استفاده قرار گرفته است، با آن چه در خصوص مصادره اموال در ایران می گذرد کاملاً متفاوت است (قناد، «بررسی تناسب میان جرم و مجازات در جرائم مواد مخدر در نظام حقوقی ایران/۱/۲۲۴).

گرچه این قانون نیز کلیه اموال محکوم علیه را به عنوان عواید ناشی از ارتکاب جرم در اثر پولشویی مصادره و ضبط می کند و در ماده ۳۰ اشعار می دارد که وسایط نقلیه حامل مواد مخدر به نفع دولت ضبط و با تصویب ستاد مبارزه با مواد مخدر به سازمان کاشف اعطا گردد، اما استثنایی که بر آن وارد است در خصوص وسایط نقلیه حامل مواد مخدری است که بدون اذن و اطلاع مالک آن به کار گرفته شده است. با این توضیح که در صورتی وسایط نقلیه برای حمل مواد مخدر بدون رضایت دادن

مالک آن مورد استفاده قرار گیرد از شمول این ماده و قانون خارج و به مالک آن مسترد می گردد.

به نظر می رسد که این ماده، به مصادره اموال اشاره دارد، و مصادره مذکور نه از باب تحصیل اموال ناشی از قاچاق مواد مخدر، بلکه از باب مجازات باشد (تطهیر درآمد های ناشی از جرم/۱۶۹) زیرا با عنایت به بند ۱ ماده ۳ این کنوانسیون که مقرر می دارد: «هر یک از اعضا اقدامات ضروری را به منظور تثبیت جرائم کیفری تحت قوانین داخلی خود در صورت ارتکاب عمدی موارد زیر اتخاذ خواهد نمود» و این که اعضا اعم از امضاء کنندگان و ملحق شوندگان باید حسب این مقرر، نسبت به مواردی که تصریح شده است مبادرت به جرم انگاری و تعیین مجازات نمایند، این کنوانسیون به تنهایی و بدون تدوین قوانین ملی قابلیت اجرایی ندارد و اگر همچنین فرضی برای آن قائل شویم مشاهده می شود که بر فرض جرم شناختن اعمال مذکور در ماده ۳، چون مجازاتی برای آن تعیین نشده است، نمی توان عنوان جرم را بر آن اطلاق نمود، چراکه قانونگذار ایران در ماده ۲ قانون مجازات اسلامی، جرم را فعل یا ترک فعلی که برای آن مجازات تعیین شده باشد، تعریف کرده است.

گرچه در ماده ۲۸ قانون اصلاح قانون مبارزه با مواد مخدر و الحاق موادی به آن، مصوب ۱۳۷۶/۸/۱۷ کلیه اموالی که از راه قاچاق مواد مخدر، تحصیل شده نظیر اموال متهمان فراری موضوع این قانون، در صورت وجود ادله کافی برای مصادره به نفع دولت ضبط و مشمول اصل ۵۳ قانون اساسی در خصوص اموال دولتی نمی باشد اما این مقرر را نمی توان تأمین کننده نظر تدوین کنندگان کنوانسیون ۱۹۸۸ دانست، چراکه علیرغم این مصادره، عواید ناشی از جرائم مواد مخدر یا اموالی که ارزش آنها معادل عواید مزبور است، به موجب بند الف ماده ۵-۱ کنوانسیون ۱۹۸۸، بر اعضا تکلیف شده است. اما صرف وضع مقرر ای در خصوص مصادره اموال حاصل از قاچاق مواد مخدر، بدون تصویب مقررات دیگر کنوانسیون، اجرای مفاد این ماده را با دشواری هایی مواجه خواهد ساخت؛ زیرا این ماده با وضع موجود دارای ابهاماتی است

از جمله این که مشخص نیست که منظور از «مال» چیست؟ آیا مراد آن، همانند بند ص ماده ۱ کنوانسیون که اشعار می دارد: «اموال» به معنای هر گونه دارایی مادی یا معنوی، منقول یا غیر منقول، محسوس و یا غیر محسوس (عینی یا دینی)، اوراق و یا اسناد قانونی دالّ بر داشتن مالکیت و یا سهم دارایی های مزبور می باشد، است؟ یا این که مال صرفاً به معنای هر گونه دارایی مادی منقول یا غیر منقول است؟ آیا تنها عین مالی که از طریق قاچاق مواد مخدر حاصل آمده است می تواند مورد مصادره قرار گیرد، یا این که چنان چه مال حاصل از مواد مخدر، به مالی دیگر تبدیل یا منتقل شده باشد می توان معادل ارزش مال حاصل از قاچاق مواد مخدر را از دیگر اموال متهم، هر چند دارای منشأ مشروع باشد، مصادره کرد؟ و این که چنان چه اموال دارای منشأ قانونی با اموال ناشی از قاچاق مواد مخدر در هم آمیزد آیا می توان نسبت به مصادره اموال اقدام کرد و اگر می توان به چه نحو؟

مسأله دیگر در خصوص این ماده، ثبوت و نحوه اثبات تحصیل اموال از طریق قاچاق مواد مخدر است. با توجه به مفاد ماده مذکور، لزوم ارائه دلیل از سوی مقام تعقیب، زمانی می توان حکم به مصادره اموال مرتکب جرائم مربوط به قاچاق مواد مخدر صادر کرد که با ارائه دلیل در دادگاه اثبات شود که اموال مورد نظر، از راه قاچاق مواد مخدر به دست آمده اند.

در برخی از قوانین مبارزه با پولشویی بار اثبات و ارائه دلیل بر عهده متهم گذاشته شده است، یعنی اصل کلی معکوس گردیده است؛ بدین صورت که با توجه به مشکلات حادث، با نادیده انگاشتن اصل برائت، اصل را بر این گذاشته اند که اموال فرد متهم از راه قاچاق مواد مخدر به دست آمده است مگر این که متهم با ارائه دلیل در دادگاه، اثبات نماید که مال مورد نظر از راه کاملاً مشروع و قانونی تحصیل شده است؛ و در غیر این صورت، آن مال به عنوان مال حاصل از قاچاق مواد مخدر، مصادره خواهد شد (همان/۱۶۴).

د) قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز

یکی دیگر از جرائم منشأ پولشویی که در سطح وسیع و کلان هم ارتکاب می یابد قاچاق کالا می باشد که قانونگذار علاوه بر تعیین مجازات برای جرم قاچاق در تبصره ماده ۷۷ این قانون تصریح نموده است: «کلیه مبالغ حاصل از اجرای این قانون از قبیل وجوه ناشی از فروش کالا و از قاچاق، وسایل ضبطی و جریمه های وصولی به حساب ویژه ای نزد خزانه داری کل کشور واریز می گردد...». در همین راستا ماده ۲۸ آئین نامه مبارزه با پولشویی مصوب ۱۳۸۸ مقرر داشته است: «خرید و فروش ارز به هر صورت از جمله پرداخت ریال در داخل و دریافت ارز در خارج کشور و بالعکس، تنها در سیستم بانکی و صرافی های مجاز با رعایت قوانین و مقررات مجاز است و در غیر این صورت، خرید و فروش ارز غیر مجاز محسوب و مشمول قانون نحوه اعمال تعزیرات حکومتی راجع به قاچاق کالا و ارز مصوب ۱۳۷۴ مجمع تشخیص مصلحت نظام است». البته لازم به توضیح است که مطابق با ماده ۷۷ قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز مصوب ۱۳۹۲، قانون نحوه اعمال تعزیرات حکومتی راجع به قاچاق کالا و ارز مصوب ۱۳۷۴، نسخ گردیده است.

ه) قانون مبارزه با مواد مخدر مصوب ۱۳۶۷ مجمع تشخیص مصلحت نظام

ماده ۲۸ قانون مذکور اشعار می دارد: «کلیه اموالی که از راه قاچاق به دست آمده باشد به نفع دولت ضبط می شود». مجمع با تصویب این ماده در قانون مزبور، به صفت عام کلیه اموال اشاره داشته و به دلیل عدم تصریح در خصوص این که آیا مصادره اموال مندرج در این ماده، مشمول اصل ۵۳ قانون اساسی قرار می گرفت یا این که جزو درآمدهای سازمان دیگر می شد، در مورخ ۱۳۶۸/۹/۲۱، طی ماده واحده ای اموال موضوع این ماده را جزو درآمدهای ستاد مبارزه با مواد مخدر دانست و آن را از مشمول اصل ۵۳ قانون اساسی راجع به اموال دولتی خارج کرد (مجموعه کامل قوانین و مقررات مواد مخدر/۳۳؛ شرح قانون مجازات اسلامی/۲۷۳/۱؛ همچنین حکم شماره ۱۰۶۹۳/۳۴۶ مورخ ۱۳۱۷/۲/۱۹، شعبه دوم دیوان عالی کشور).

و) قانون مجازات اسلامی

قانونگذار اسلامی در ماده ۶۶۲ ق.م.ا. که جایگزین ماده ۲۳۰ اصلاحی قانون مجازات عمومی ۱۳۴۰ و ماده ۱۱۰ قانون تعزیرات مصوب ۱۳۶۲ شده است، مقرر می‌دارد: «هر کس با علم و اطلاع یا با وجود قرائن اطمینان آور که مال در نتیجه ارتکاب سرقت به دست آمده است آن را به نحوی از انحاء تحصیل یا مخفی یا قبول نماید یا مورد معامله قرار دهد، به حبس از شش ماه تا سه سال و تا ۷۴ ضربه شلاق محکوم خواهد شد. در صورتی که متهم اموال مسروقه را حرفه خود قرار دهد، به حداکثر مجازات در این ماده محکوم گردد».

گرچه این ماده به طور صریح به پولشویی اشاره نکرده است، اما می‌توان آن را به عنوان «جرم مانع» بازدارنده در نظر گرفت که با پیش بینی آن توسط مقنن و تعیین ضمانت اجرای قانونی یعنی حبس و شلاق، با ایجاد مانع در تحقق جرم مبنا یعنی قبول، تحصیل، اخفاء و معامله اموال مسروقه از تحقق جرم مسبوق به جرم سابق یعنی پولشویی جلوگیری کند.

ز) قانون منع خرید و فروش کوپن های کالا های اساسی مصوب ۱۳۶۷

طبق ماده ۲ این قانون: «هر کس به جعل یا چاپ غیر قانونی کوپن اقدام کند یا در مدارک و صورت جلسات امحاء و تحویل و تحوّل، دخل و تصرف نماید، علاوه بر استرداد وجوه حاصله از این اعمال به حبس از ۱ تا ۵ سال و به شلاق از ۱۰ تا ۷۴ ضربه محکوم می‌شود. تبصره: در صورتی که مجرم، کارمند یکی از عناوین مذکور در ماده ۱ باشد، علاوه بر مجازات های فوق به انفصال از یک سال تا ده سال محکوم خواهد شد».

همان طور که از صراحت بیان این ماده معلوم است، قانونگذار چنین پیش بینی نموده است که هر کسی که به جعل یا چاپ غیر قانونی کوپن اقدام کند، وجوه حاصله از این اعمال را باید استرداد کند که ممکن است نمودی از مبارزه با پولشویی باشد. از آنجا که هدف اصلی از ارتکاب این جرم، کسب منفعت و ثروت است مقنن استرداد وجوه حاصله را به منظور پیشگیری از وقوع آن، پیش بینی نموده است و در کنار

استرداد وجوه ناشی از آن، به ضمانت اجراهای دیگر چون حبس و شلّاق متوسّل شده است که شدّت جرم ارتكابی و میزان لطمه به اقتصاد کشور را نشان می دهد.

ح) آئین نامه مالی ستاد مبارزه با مواد مخدر مصوب ۱۳۶۷/۱۱/۲

ماده ۱ این آئین نامه که به منابع مالی ستاد اشاره دارد، در بند (د و ه) چنین مقرر می دارد: «کلیه اموال منقول و غیر منقول که به نفع ستاد مصادره و ضبط می شود و نیز درآمد حاصل از عملکرد اموال غیر منقول مصادره نشده اعم از کارخانجات و مستقلّات جزو منابع مالی ستاد محسوب می گردد و به موجب ماده ۳ این آئین نامه، کلیه جریمه های اخذ شده در سراسر کشور و نیز وجوه حاصله از فروش اموال مصادره شده و غیره به حساب متمرکزی که در وزارت اقتصاد و دارایی افتتاح شده (حساب درآمد) واریز می شود». طبق ماده ۱۳، وظیفه نگهداری آمار کلیه اموال مصادره شده به نفع ستاد و نیز پیگیری دریافت وجوه حاصله از فروش و عملکرد آن را از مراجع ذی صلاح بر عهده مدیر مالی و ذی حسابی ستاد قرار داده شده است.

افزون بر این موارد، آئین نامه اجرایی انسداد مرزها مصوب ۱۳۶۷/۱۱/۱۸، آئین نامه اجرایی پرداخت حقّ الکشف ستاد مبارزه با مواد مخدر، تصویب نامه مورخ ۱۰/۲/۱۳۵۸ در مورد امحای مواد افیونی و مخدر، آئین نامه اجرایی موضوع تبصره ۴، و آئین نامه اجرایی قانون مبارزه با مواد مخدر مصوب ۶۷/۱۱/۲ نخست وزیری را نیز می توان از مهم ترین مستندات قانونی جرم پولشویی منظور کرد.

۲-۳- رکن مادی

هر جرمی الزاماً دارای یک عنصر مادی است. صرف داشتن فکر و قصد ارتكاب جرم بدون انجام هیچ گونه عمل مادی و خارجی، قابل تعقیب و مجازات نیست؛ بنابر این، مقصود از عنصر مادی جرم این است که قصد مجرمانه شخص، ظهور خارجی پیدا کند و به مرحله اجرا برسد. در ماده ۲ قانون مبارزه با پولشویی و در سه بند جداگانه، مصادیق مختلف عنصر مادی جرم پولشویی احصاء شده است که عبارتند از:

«اول: تحصیل، تملک، نگهداری یا استفاده از عواید حاصل از فعالیت های غیر قانونی با علم به این که به طور مستقیم یا غیر مستقیم در نتیجه ارتکاب جرم به دست آمده باشد.

دوم: تبدیل، مبادله یا انتقال عوایدی به منظور پنهان کردن منشأ غیر قانونی آن با علم به این که به طور مستقیم یا غیر مستقیم ناشی از ارتکاب جرم بوده یا کمک به مرتکب به نحوی که وی مشمول آثار و تبعات قانونی ارتکاب آن جرم نگردد. سوم: اخفاء یا پنهان یا کتمان کردن ماهیت واقعی، منشأ، منبع، محل، نقل و انتقال، جا بجایی یا مالکیت عوایدی که به طور مستقیم یا غیر مستقیم در نتیجه جرم تحصیل شده باشد.»

رکن مادی در جرم پولشویی، هر عملی است که منجر به قانونی جلوه دادن عواید حاصل از جرم گردد و این امر اعم از آن است که مرتکب پولشویی، همان مرتکب جرم منشأ یا فرد دیگری باشد. بنابراین، شخصی که مرتکب جرم مقدم می شود و سپس عواید حاصل از آن را وارد جریان های اقتصادی مشروع کند و هویت غیر مشروع عواید را مخفی و ظاهری قانونی به آنها بدهد، مرتکب پولشویی شده است. لازم به ذکر است که جرم پولشویی یک جرم ثانویه است و تحقق آن منوط بر این است که قبلاً جرمی مستقل و سودآور اتفاق افتاده باشد که سپس عواید و منافع ناشی از آن جرم تطهیر شود. جرم ارتكابی اول که عواید حاصل از آن تطهیر می گردد، جرم «مقدم» یا «منشأ» یا «اصلی» نامیده می شود، اما این بدان معنا نیست که جرم پولشویی، جرمی وابسته به جرم مقدم است و محکومیت مرتکب پولشویی، منوط به اثبات محکومیت جرم مقدم است؛ حتی اگر مرتکب جرم اولیه مورد تعقیب قرار نگیرد یا مجازاتی بر او اعمال نشود و یا فوت شود و یا از طرف مرجع رسیدگی، دستگیری نشده باشد یا پس از ارتکاب جرم فرار کرده باشد، چنان چه مال تحصیل شده از این اشخاص، به هر نحو مورد پولشویی قرار گیرد، جرم پولشویی محقق خواهد شد؛ بنابراین، جرم پولشویی و جرم مقدم بر آن کاملاً از یکدیگر مجزاً بوده و دو جرم

مختلف محسوب می شوند و از این لحاظ می توان آن را با جرم جعل و استفاده از سند مجعول مقایسه کرد؛ اگرچه تحقق جرم استفاده از سند مجعول، منوط به تحقق جرم جعل در سند مورد استفاده است، اما جرمی کاملاً مستقل محسوب می شود. از نظر این که چه نوع جرائمی به عنوان جرم مقدم در پولشویی شناخته شوند، می توان پولشویی را به دو نوع تقسیم کرد: تطهیر خاص و تطهیر عام (ژاک بوریگان، «بزهکاری سازمان یافته در حقوق فرانسه» / ۳۲۴).

تطهیر خاص، ناظر بر تطهیر درآمدها و سرمایه های ناشی از قاچاق مواد مخدر است که در بند (ب) ماده ۳ کنوانسیون وین انعکاس یافته است و از لحاظ بین المللی، مقدم بر تطهیر عام به رسمیت شناخته شد، اما تطهیر عام، پاک نمایی درآمدها و سرمایه های ناشی از ارتکاب هر جرمی است که این نوع تطهیر اگرچه در بسیاری از اسناد و اعلامیه های منطقه ای مانند کنوانسیون شورای اروپا و دستورالعمل اروپایی و اسناد «فاتف» مورد توجه قرار گرفته است، اما به عنوان جرم در یک سند بین المللی مصوب سازمان ملل، در ماده ۶ کنوانسیون پالرمو انعکاس یافته است.

۳-۳- رکن روانی

جرم پولشویی از جمله جرائم عمدی است که علاوه بر عمد عام، نیاز به عمد خاص نیز دارد و در برخی موارد مقید به حصول نتیجه مجرمانه نیز می باشد:

الف) عمد عام

تمامی اعمال و رفتاری که در بخش عنصر مادی جرم گفته شد باید با آگاهی و اراده مرتکب صورت بگیرد تا عنوان جرم پولشویی بر آن صادق باشد؛ بنابراین هر یک از آنها که به صورت غیر ارادی مثلاً سهوی یا در حال خواب و مستی یا تحت اجبار و اکراه انجام گیرد، عنوان جرم پولشویی بر آن صادق نخواهد بود.

ب) عمد خاص

انجام مصادیق عنصر مادی جرم پولشویی به صورت ارادی و آگاهانه برای تحقق این جرم کافی نیست و علاوه بر آن، مرتکب جرم باید علم و اطلاع داشته باشد که این اعمال را در مورد اموال و عایدات حاصل از جرم انجام می دهد.

مقنن در مورد تبدیل، مبادله و انتقال عواید مزبور علاوه بر علم و اطلاع مرتکب از این که این عایدات ناشی از جرم بوده اند قصد مرتکب به منظور پنهان کردن منشأ غیر قانونی آن را نیز لازم دانسته است، که در اینجا عمد خاص یا قصد خاص از جنس انگیزه است؛ یعنی هدف مرتکب از انجام اقدامات فوق بایستی این باشد که منشأ اموال نامشروع پنهان گردد و با فقدان این قصد خاص و عدم احراز آن، موضوع جرم پولشویی منتفی می شود؛ اما این که در عمل هم اقدامات مرتکب باید به این پنهان شدن منجر شود یا خیر؟ به نظر می رسد که قانونگذار به چنین قیدی نظر نداشته است و این موضوع از عبارت «به منظور پنهان کردن منشأ غیر قانونی ...» به خوبی مستفاد می شود، ولی در مورد اخفاء، پنهان یا کتمان ماهیت واقعی و ... عوایدی که به طور مستقیم یا غیر مستقیم در نتیجه جرم تحصیل شده باشد بدیهی است که این بخش از عنصر مادی جرم پولشویی از جمله جرائم مقید است؛ یعنی مرتکب جرم علاوه بر این که باید از منشأ غیر قانونی و مجرمانه عایدات و دارایی های مجرمانه خبر داشته باشد، در عمل نیز باید موفق به اخفاء، پنهان یا کتمان کردن ماهیت واقعی و منشأ آنها نیز بشود و این معنی در ماهیت این عبارات مستتر است؛ یعنی در عمل، اخفاء، پنهان یا کتمان کردن باید اتفاق بیفتد و صرف داشتن چنین قصد و انگیزه ای کافی نیست.

نکته ای که در عنصر روانی اهمیت دارد این است که قانونگذار در هر سه بند ماده ۲ تصریح نموده که مرتکب جرم پولشویی باید از منشأ مجرمانه اموال و عایدات علم و اطلاع داشته باشد؛ چه این عایدات به طور مستقیم در نتیجه جرم تحصیل شده باشد، چه به طور غیر مستقیم. مثال مستقیم آن این است که فردی ضمن ارتکاب جرم قاچاق مواد مخدر، عایداتی را تحصیل کرده باشد و مثال غیر مستقیم آن این است که

این عایدات تبدیل به مال دیگری شده باشد و مرتکب جرم پولشویی از منشا غیر قانونی و مجرمانه آن مطلع باشد.

در اینجا با توجه به مطالبی که راجع به عناصر اختصاصی جرم پولشویی گفته شد، به عنوان نمونه یک قضیه عملی طرح و مورد بررسی و تحلیل حقوقی قرار می گیرد.

در قضیه ای یک شرکت ساختمانی به مدیریت عاملی آقای الف به پیش فروش تعدادی آپارتمان در حال ساخت به تعداد زیادی از مردم مبادرت می نماید، در حالی که تعداد خریداران چند برابر تعداد آپارتمان های در حال ساخت بوده است و عملیات ساخت ناتمام مانده، و آقای الف متواری می شود. پلیس موفق به دستگیری سایر اعضای هیأت مدیره شده و ملک مزبور را پلمپ می کند. در بررسی های به عمل آمده مشخص می شود که سایر اعضای هیأت مدیره شرکت از اقدامات مدیر عامل در فروش آپارتمان ها به تعداد زیادتر از موجود خبر نداشته و تصور می کرده اند که پیش فروش به تعداد واقعی صورت گرفته است؛ اما مبلغی از وجوه حاصل از فروش آپارتمان ها به حساب بانکی اعضای هیأت مدیره واریز شده است که توسط پلیس ضبط می گردد.

در این قضیه سؤالی که قابل طرح می باشد این است که آیا جرم پولشویی صورت گرفته است یا خیر؟ و تکلیف ساختمان و وجوه حاصل از فروش آن چگونه باید مشخص گردد؟ ممکن است تصور شود که آقای الف علاوه بر کلاهبرداری، مرتکب جرم پولشویی نیز شده است، زیرا از طریق کلاهبرداری وجوهی را تحصیل نموده است. همچنین ممکن است تصور شود که اعضای هیأت مدیره نیز مرتکب جرم پولشویی شده اند، زیرا با واریز وجوه حاصل از فروش آپارتمان ها به حساب بانکی آنها که از طریق کلاهبرداری تحصیل شده است وجوه را تحصیل و تملک نموده اند؛ اما اینگونه نیست؛ زیرا تحصیل وجوه از طریق توسل به وسایل متقلبانه، خود جرم مستقلی به نام کلاهبرداری است؛ زیرا این جرم از جرائم مرکب بوده و عنصر مادی آن

از دو جزء تشکیل شده است؛ یکی توسل به وسایل متقلبانه و دیگری تحصیل مال از آن طریق؛ نتیجه این که اتهام پولشویی متوجه آقای الف نمی باشد. اعضای هیأت مدیره هم که وجوه به حساب بانکی ایشان واریز شده، به دلیل عدم اطلاع و فقدان عنصر روانی راجع به منشأ نامشروع آنها، با عنوان پولشویی قابل تعقیب نمی باشند (مرکز مطبوعات و انتشارات قوه قضائیه، آشنایی با جرم پولشویی/ ۷۹-۸۱).

نتیجه گیری

با توجه به مطالب پیش گفته، نتایجی به شرح ذیل به دست می آید:

- ۱- با توجه به این که جرم پولشویی جرم جدیدی است و نمی توان در فقه تعریفی برای آن پیدا کرد اما مبانی فقهی روشنی نظیر آیات اکل مال به باطل، اکل سحت و نیز روایات بر جرم انگاری این پدیده دلالت می کند.
- ۲- از نقطه نظر حقوقی، گرچه در قوانین قبل از قانون مبارزه با مواد مخدر مصوب ۱۳۷۶ مجمع تشخیص مصلحت نظام، در لابلای مواد و قوانین مختلف، زمینه هایی از مبارزه با پولشویی به اشکال گوناگون به چشم می خورد اما توجه به این جرم به طور جدی و تا حدودی شفاف، بعد از کنوانسیون سازمان ملل متحد برای مبارزه با مواد مخدر و داروهای روان گردان مصوب ۲۰ دسامبر ۱۹۸۸ وین بوده است که بیانگر این است که قوانین ما در پیش بینی چنین جرمی آن هم در قالب «مفهوم» نه «عنوان»، متأثر از این کنوانسیون بوده است، زیرا پیش بینی موادی که مفهوم پولشویی در آن گنجانده شده در قوانین مصوب سال ۱۳۷۶ و بعد بوده است و این در حالی است که کنوانسیون در سال ۱۹۸۸ که برابر با سال ۱۳۶۷ شمسی است، به تصویب رسیده است و کشور ما در تاریخ ۱۳۷۰/۹/۳، با تصویب قانونی تحت عنوان «قانون الحاق دولت جمهوری اسلامی ایران به کنوانسیون سازمان ملل متحد برای مبارزه با مواد مخدر و داروهای روان گردان مصوب سال ۱۹۸۸ وین» به این کنوانسیون پیوست. بعد از شش سال از تاریخ الحاق به این کنوانسیون، به تهیه و تصویب قانونی که مفاد کنوانسیون را

در خصوص پولشویی شامل شود، اقدام نمود ولی متأسفانه زمانی که قانون مبارزه با مواد مخدر ۱۳۷۶ در راستای این اهداف به تصویب رسید، از آن به عنوان امری فرعی و در قالب مفاهیمی که می توان آن را پولشویی نامید، اشاره داشته است. به هر حال، فلسفه عدم پیش بینی عنوان جرم پولشویی به طور صریح و ترتب اثر کیفری خاص بر آن پوشیده است.

هرچند ایران در سال ۱۳۷۰ به این کنوانسیون ملحق شده است اما هیچ اقدامی به منظور پیش بینی جرائم کیفری در قوانین داخلی برای جرم شناختن مواردی که صراحتاً در ماده مذکور به آن تصریح شده است، صورت نپذیرفته است. به عبارت دیگر، در حال حاضر، هیچ یک از اقداماتی که در کنوانسیون ۱۹۸۸ به عنوان تطهیر پول از آنها نام برده می شود، در صورت ارتکاب در ایران، علی رغم الحاق به کنوانسیون ۱۹۸۸، جرم و مستوجب مجازات نیست؛ در نتیجه، پر کردن این خلأ قانونی هرچه زودتر توسط مراجع مرتبط، ضرورتی انکارناپذیر محسوب می شود تا پیامد آن مبارزه قانونی و قاطع با مجرمین این پدیده و محو آثار جرم پولشویی در کشور باشیم.

منابع

- قرآن کریم، ترجمه آیت الله مکارم شیرازی.
- ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، ج ۱، تحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم، بی جا، دار احیاء الکتب العربیه، بی تا.
- احمد سفر، جرائم غسل الاموال و تمويل الارهاب فی التشريعات العربیة، لبنان، المؤسسة الحدیثه.
- باقرزاده، احد، «پیامد های پولشویی و راهبرد های کنترلی با رویکردی به اسناد بین المللی»، مجموعه مقالات همایش بین المللی مبارزه با پولشویی، تهران، نشر وفاق، ۱۳۸۲.
- بدریان، فخرالدین، مجموعه کامل قوانین و مقررات مواد مخدر، تهران، نشر رهام، ۱۳۸۱.
- بوشهری، جعفر، حقوق جزا (اصول و مسائل)، تهران، شرکت سهامی انتشار، ۱۳۸۷.

۱۲۹ _____ مطالعات فقه و حقوق اسلامی - سال ۹ - شماره ۱۷ - پاییز و زمستان ۹۶

- الجرد هیام، **المدّ و الجزر بین السریّه المصرفیه و تبیض الاموال**، بیروت، منشورات الحلبي، ۲۰۰۴م.

- جزایری، مینا، «**پولشویی و مؤسسات مالی**»، مجلس و پژوهش، شماره ۳۷، بهار ۱۳۸۲.

- حیدری، علیمراد، **جرم انگاری پولشویی**، فقه و حقوق، سال اول، تابستان ۱۳۸۳.

- زراعت، عباس، شرح قانون مجازات اسلامی، ج ۳، ج ۱، انتشارات دانشگاه کاشان، ۱۳۷۹.

- ژاک بوریکان، «**بزهکاری سازمان یافته در حقوق کیفری فرانسه**»، ترجمه علی حسین نجفی ابرندآبادی، مجله تحقیقات حقوقی، شماره ۲۱ - ۲۲، ۱۳۷۸.

- سلیمانی، حمید؛ عبداللهی نژاد، عبدالکریم، «**بررسی مبانی فقهی جرم پولشویی**»، مطالعات فقه و حقوق اسلامی، شماره ۳، زمستان ۱۳۸۹.

- سلیمی، صادق، «**تطهیر پول در اسناد بین المللی و لایحه پولشویی**»، مجله تخصصی دانشگاه علوم رضوی، شماره ۶، ۱۳۸۱.

- شمس ناتری، محمد ابراهیم، «**سیاست کیفری ایران در قبال تطهیر پول با رویکردی به اسناد بین المللی**»، مجموعه مقالات همایش بین المللی مبارزه با پولشویی، تهران، نشر وفاق، ۱۳۸۲.

- صحرائیان، مهدی، «**زیان های ناشی از تطهیر پول**»، اولین کارگاه سراسری علمی کاربردی قضات دادگاه های انقلاب اسلامی کشور در امر مبارزه با مواد مخدر، نشر آبی، ۱۳۸۱.

- طباطبائی، سید محمدحسین، **المیزان فی تفسیر القرآن**، ج ۲، قم، مؤسسه النشر الاسلامی، بی تا.

- قناد، فاطمه، «**بررسی تناسب میان جرم و مجازات در جرائم مواد مخدر در نظام حقوقی ایران**»، همایش بین المللی علمی-کاربردی جنبه های مختلف سیاست جنائی در قبال مواد مخدر، ج ۱، نشر روزنامه رسمی، ۱۳۷۹.

- کلینی، محمد بن یعقوب، **الکافی**، ج ۵، ج ۳، تحقیق علی اکبر غفاری، بی جا، دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۶۷.

- محمودی، وحید، «**پدیده پولشویی و راه های مبارزه با آن**»، مجموعه مقالات همایش بین المللی مبارزه با پولشویی، تهران، نشر وفاق، ۱۳۸۲.

- مرکز مطبوعات و انتشارات قوه قضائیه، **آشنایی با جرم پولشویی**، ۱۳۹۴.

- موسوی بجنوردی، سید حسن، **القواعد الفقهیه**، ج ۲، ج ۲، قم، مؤسسه اسماعیلیان، ۱۴۱۳ق.

- میرمحمد صادقی، حسین، **حقوق جزای بین الملل** (مجموعه مقالات)، تهران، نشر میزان، ۱۳۷۷.

- _____، **جرائم علیه اموال و مالکیت**، ج ۶، تهران، نشر میزان، ۱۳۷۵.

درنگی در جرم انکاری «پولشویی» _____ ۱۳۰

- نظرات مشورتی اداره حقوقی قوه قضائیه در خصوص جرائم مواد مخدر، ج ۵، چ ۷۹،
روزنامه رسمی، شماره ۹۲۲۷/۷ مورخ ۶۸/۳/۱.

- هادیان، ابراهیم، «پولشویی و اثرات اقتصادی آن»، مجموعه مقالات همایش بین المللی مبارزه با
پولشویی، تهران، نشر وفاق، ۱۳۸۲.